

محرم، هتک حرمت‌ها و مسخ معنائش !

یکشنبه اولین روز ماه محرم و اولین ماه سال قمری است. محرم برای شیعیان با شهادت امام حسین(ع) و عزاداری شهیدان کربلا همراه است و این حادثه آنقدر بزرگ بوده که نام این ماه در سایه قرار گرفته است. محرم یعنی "حرام شده"، حرام شده از این که در این ماه جنگی صورت بگیرد. همچون سه ماه دیگر سال، که در سنتی به درازای تاریخ، جنگ کردن در این ماه‌ها در سرزمین عربستان، که همواره قبائلی پراکنده در حال جنگ و غارت یکدیگر بودند، حرام شده است^(۱).

اعراب روزگار جاهلیت به این رسم احترام می‌گذاشتند و قبائل ستیزجوی آن صحاری با رعایت چنین امنیتی می‌توانستند در ماه‌های حرام، بخصوص سه ماه پیوسته حج، در مکه گردهم آیند و علاوه بر طواف کعبه و انجام قربانی در آستانه بت‌ها، در مکاره بازار گسترده‌ای که در این ماه‌ها دایر می‌شد، به تجارت و تبادل تولیدات و کارهای دستی خویش بپردازند و در سایه امنیت، به اقتصاد پریشان خود سامان دهند.

همواره این سؤال مطرح است که اگر اعراب بت‌پرست در دوران جاهلیت به این رسم احترام می‌گذاشتند، چرا و چگونه در دوران اسلامی و در حکومت یزید که همه تشریفات و آداب ظاهری اسلام رعایت می‌گردید، حرام بودن جنگ در این ماه نادیده گرفته شد و خون نه بیگانه و دشمن، بلکه خاندان پیامبری که پایه‌گذار این آئین بود، به جرم نپذیرفتن رهبری مطلقه یزید و پافشاری بر حاکمیت ملت (در نظام شورائی)، مظلومانه به زمین ریخته شد؟!

پیش‌تر در نوشته‌ای تحت عنوان: «یادآوری حریم‌ها و حرمت‌ها» در ایام حج، یادآور شده بودم که واژه‌های: مسجدالحرام، بیت‌الحرام، مشعرالحرام، شهرالحرام، حرُمات، حریم، إحرام بستن و مُحَرَّم شدن و... که بر مکان و زمان و مناسک حج گذاشته شده است، تماماً اشاره به رعایت "حریم و حدود"ی برای تحقق آزادی و امنیتی می‌کند که در "مدرسه حقوق" حج آموزش داده می‌شود.

ماه محرم که به دنبال ماه‌های حرام حج، پس از تبیین حقوق خالق و خلق او، و حریم و حرمت‌ها می‌آید، میدان زمانی مناسبی است برای تمرین و تحقق آن حقوق؛ اما چه شده و چه می‌شود که قدرت و ثروت، چشم نظام‌های استبدادی را از دیدن این حقایق همواره بسته و اتفاقاً کسانی هم بیشتر قربانی شده و می‌شوند که از موضع قرآن و اسلام در دفاع از حقوق مردم و حریم‌های قانونی، معترض ستمگری حاکمان مسلمان‌نما بوده و هستند؟!

محوری‌ترین فلسفه قیام امام حسین(ع) را اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. این چگونه فریضه‌ای است که جان‌های پاک برای آن ایثار گردید؟ نسل امروز از عنصر امر به معروف و نهی از منکر چه سابقه ذهنی دارد و چه تصویری برای او تداعی می‌شود؟ جز گشت منکرات در مراقبت از حجاب بانوان و مبارزه با مفاصل ظاهری اجتماعی و مصادره آنچه از مظاهر تهاجم فرهنگی شمرده می‌شود؟ ...جز رژه موتور سواران مهاجم بر معترضین خیابانی و ستادهای پُرصلابت امر به معروف و نهی از منکر و سیطره لباس شخصی‌های بی‌هویت بر ارکان جامعه؟

نسل امروز می‌خواهد بداند حساسیت امام حسین(ع) متوجه چه انحرافی در جامعه روزگار خود بود، و امر به معروفی که بر آن تأکید می‌کرد، چه معنا و مخاطبی داشت؟ آیا انحراف اسلام را در بدحجابی و منکرات فردی می‌دانست، یا خانه را از پای بست در بنای پرستندگان قدرت ویران می‌دید؟ جوان امروز وقتی با چنین ذهنیتی به چهارده قرن قبل می‌نگرد، هرچه بیشتر جستجو می‌کند، کمتر نشانی از آنچه امروز مورد حساسیت حاکمان ماست، در حساسیت امام حسین(ع) و یارانش می‌بیند. می‌خواهد بداند مخاطب آن امام در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مردم بودند یا متولیان؟! آیا تار موئی بیشتر بر ارکان یک نظام بیشتر تَرک وارد می‌کند یا تازیانه‌ای بردانشجویی مظلوم و تاراج هزاران میلیاردی بیت المال و تمامیت طلبی‌های روز افزون و تولیت بی‌رضایت مردم؟!

گفتیم مهم‌ترین انگیزه امام حسین(ع) در نهضت کربلا، اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده است. برای شناخت آنچه حسین(ع) و یارانش از این فریضه می‌شناختند، باید به تفاوت‌های بنیادین امر به معروفی که آنها در تلاش برای تحقق‌اش بودند و امر به معروفی که امروز در نظام ولایت مطلقه فقیه انجام می‌شود نگاهی گذرا کرد:

۱- مجریان امر به معروف نوع اول، وظیفه خود را در محافظت از حقوق مردم و نظارت بر عملکرد حاکمان می‌بینند و مجریان نوع دوم محافظت از قدرت حاکم و مراقبت از عملکرد مردم.

۲- این فریضه برای اولی‌ها مسئولیتی وجدانی است و برای دومی‌ها اجرای وظیفه اداری و شغل نان و آب دار دولتی.

- ۳- امر به معروف نوع اول، اخراج و اسارت و زندان و شکنجه دارد، نوع دوم، مال و مقام و حقوق و مزایا.
- ۴- در امر به معروف حسینی، از قدرت دور می‌شویم و جان خود به خطر می‌اندازیم و در نوع دوم، به قدرت نزدیک می‌شویم و از خوان نعمت برخوردار می‌گردیم.
- ۵- مجریان نوع اول را مردم خودجوش و مستقل تشکیل می‌دهند و مجریان نوع دوم را دولت‌های دینی برای مراقبت از ایمان مردم تربیت و تجهیز می‌کنند.
- ۶- امر به معروف نوع اول ناشی از شناخت و آگاهی و تشخیص وظیفه و جریانی از پائین به بالاست و نوع دوم ناشی از تقلید و تبعیت و جریانی از بالا به پائین.
- ۷- مجریان نوع اول را قشر آگاه و اندیشمند و مسئول و اغلب "عالمان" جامعه تشکیل می‌دهند، و مجریان نوع دوم را "عوام" و چه بسا اراذل و اوباش!
- ۸- امر به معروف نوع اول برای استقرار امنیت، آزادی، عدالت، حاکمیت ملت انجام میشود و نوع دوم برای "حفظ ظواهر" و آداب و تشریفات و پوسته خارجی دین، بی توجه به درون دین و دل‌های مردم.
- ۹- در نوع اول مردم سالاری اولویت دارد و حقوق ملت، در نوع دوم فقیه سالاری و احکام فقهی.
- ۱۰- اولی از موضع منطق و مدارا و با ملایمت و مهربانی عمل می‌کند و اکراه در دین را بیگانه با ایمان قلبی می‌داند، دومی از موضع قدرت و با اتکاء به اسلحه و توأم با تهدید، تنبیه، تکلیف، تسلط و تحمیل است.
- مقایسه‌های فوق نشان می‌دهد که محتوای امر به معروف و نهی از منکر حسینی همانست که ما امروز تحققش را از طریق رسانه‌های مردمی، احزاب سیاسی مستقل، مؤسسات فرهنگی غیر دولتی (NGO)، سایت‌ها و وبلاگ نویس‌های وطن خواه... انتظار داریم و با بزرگداشت یاد حسین(ع) و آزادگان همراهش، که در روزگار خود به زیباترین وجه این فریضه را فداکارانه انجام دادند، بار دیگر به استقبال ماه محرم می‌رویم؛ محرمی که برای حریم و حرمت حقوق مردم و حرام شمردن نقض حرمت‌ها نامگذاری شده، و محرم دیگری که امروز مداحان سیاسی‌اش در بستر خرافات و بد دهنی و حرمت شکنی شهره آفاق‌اند! تا به استقبال کدام محرم و کدام حسین(ع) رفته باشیم؟
- حاکمان ما با زیر پا گذاشتن این حریم و حرمت حقوق مردم، که حج و محرم نمادهایی برای آن هستند، مملکت را به روزگار جاهلیت قبل از اسلام برگردانده‌اند و قانون غلبه قدرت (الحق لمن غلب) را بر ارکان نظام حاکم کرده‌اند، گویا مدعیان دروغین دین می‌پندارند این حرمت‌ها و حریم‌ها به گذشته تاریخ تعلق دارد! اما حق گرفتاری است، نه دادنی؛ و امر به معروف و نهی از منکر مکانیسمی است برای استیفای همین حقوق:
- از آخرین وصایای امام علی(ع) در بستر شهادت برای مسلمانان آینده، پس از ضربه "ابن ملجم" که از متعصبین خشک مغز خوار بود، یکی هم به شرح زیر در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر است:
- "مبادا امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید، در اینصورت اشرار تان بر شما ولایت خواهند کرد، سپس برای دفع شر آنها دعا می‌کنید و دعایتان مستجاب هم نخواهد شد" (نهج البلاغه نامه ۴۷)

عبدالعلی بازرگان

۵ آذرماه ۱۳۹۰

۲۶ نوامبر ۲۰۱۱

۱- چهارماه از سال قمری را ماه‌های حرام نامیده اند: ماه اول (محرم)، ماه هفتم (رجب) و ماه‌های یازده و دوازده (ذیقعد و ذیحجه)، ماه‌های ۱ و ۱۱ و ۱۲ پشت سرهم قرار گرفته‌اند که در وسط آنها ذیحجه (ماه حج) واقع شده است، گویا ماه‌های قبل و بعد آن که حرام شمرده شده، زمان امنی برای مسافران، در روزگار فقدان وسائل نقلیه، در سفر به مکه و بازگشت از مراسم به دیارشان فراهم می‌کرده است، آنگاه با شش ماه فاصله، که سال را به دو نیمه غیر مساوی تقسیم می‌کند، "رجب" قرار گرفته است که آن نیز ماه حرام است. به این ترتیب آتش‌بستی اجباری در مقطعی از سال وجود داشته است.